

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه فجر

استاد ضرابی اردیبهشت ۱۴۰۰

جلسه ششم ۱۴۰۰/۲/۱۶

آیات شریفه : « يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (۲۴) فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ (۲۵) وَلَا يُوثِقُ وَثَاقُهُ أَحَدٌ (۲۶) يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۲۸) فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹) وَادْخُلِي جَنَّاتِي (۳۰) - گوید کاش برای زندگانی خود [چیزی] پیش فرستاده بودم (۲۴) پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او عذاب نکند (۲۵) و هیچ کس چون دربندکشیدن او دربند نکشد (۲۶) ای نفس مطمئنه (۲۷) خوشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد (۲۸) و در میان بندگان من در آی (۲۹) و در بهشت من داخل شو (۳۰) »

عنوان : ای وای بر انسان غافل! اگر بداند با خود چه می‌کند!!

بعد از توصیفی که خداوند متعال از شدت تعلق و توجه انسان به دنیا نمود « وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا * وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا - (و میراث [ضعیفان] را چپاولگرانه می‌خورید و مال را دوست دارید دوست داشتنتی بسیار) » در واقع انسانی را به تصویر می‌کشد که به چیزی جز زندگی حقیر این دنیا نمی‌اندیشد « ... لَمْ يَرْدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ... ذَلِكَ مَبْلَغُهُم مِّنَ الْعِلْمِ - کسی که جز زندگی دنیا را خواستار نبود و (دنیا) آخرین درجه از علم و شناخت آنان است. » (نجم-۳۱)

اکنون بعد از تذکر تبعات بد این راه و روش در دنیا به نتایج حاصل از آن در آخرت می‌پردازد؛ درست مانند کودکی که از رحم دنیا بیرون آمده خود را در جهان آخرت می‌بیند.

زبان حالش این است که آرزو می‌کند که ای کاش برای این زندگی‌اش چیزی پیش می‌فرستاد. « يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي - (گوید کاش برای زندگی خود [چیزی] پیش فرستاده بودم)»

حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «فَيَا لَهَا حَسْرَةً عَلَى ذِي غَفْلَةٍ أَنْ يَكُونَ عُمْرُهُ عَلَيْهِ حُجَّةً وَ أَنْ تُؤَدِّيَهُ أَيَّامُهُ إِلَى شِقْوَةٍ - ای وای بر انسان غافل و بی‌خبری که عمرش دلیلی ضد اوست و روزگارش او را به بدبختی و شقاوت می‌کشاند.» (نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۶۳)

از آنجا که خطر غفلت همه، از جمله مؤمنین را تهدید می‌کند خداوند اهل ایمان را مخاطب قرار داده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ - الا ای اهل ایمان، خدا ترس شوید و هر نفسی نیک بنگرد تا چه عملی برای فردای قیامت خود پیش می‌فرستد، و از خدا بترسید که او به همه کردارتان به خوبی آگاه است.» (حشر/ ۱۸)

حضرت امیر (سلام الله علیه) خطاب به کسانی که این سخنان را جدی نمی‌گیرند یا همچون این بنده گنهکار خواب غفلت‌شان بسیار سنگین است؛ می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ الْأَمْلَ يَذْهَبُ الْعَقْلَ ، وَ يُكْذِبُ الْوَعْدَ ، وَ يَحُثُّ عَلَى الْغَفْلَةِ ، وَ يُورِثُ الْحَسْرَةَ . فَأَكْذِبُوا الْأَمْلَ ؛ فَإِنَّهُ غُرُورٌ ، وَ إِنَّ صَاحِبَهُ مَازُورٌ - بدانید ای بندگان خدا! آرزوهای دراز، عقل انسان را می‌برد و وعده قیامت را دروغ می‌شمارد و انسان را بر غفلت ترغیب می‌کند و سرانجام، حسرت به بار می‌آورد. پس، آرزو را دروغ شمارید، که آرزو فریبنده است و آرزومند گناهکار است» (بحار، ج ۷۴، ص ۲۹۳)

بنابر این باید از خود مراقبت کرده، دیگران را از این خطر بزرگ آگاه کنیم و هشدار الهی را جدی بگیریم: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ ءَايَاتِنَا غَافِلُونَ، أُولَئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ - کسانی که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند و کسانی که از آیات ما غافل هستند. آنان به کیفر آنچه به دست می‌آوردند، جایگاهشان آتش است» (یونس/ ۷-۸)

وگر باشد به مهرش پای بندیم	اگر دنیا نباشد دردمندیم
که رنج خاطرست از هست و گر نیست	حجابی زین درون آشوب تر نیست

عنوان: وقتی بازگشت بسوی هستی و پاکی مطلق است

« فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ * وَلَا يُوثِقُ وَثَاقُهُ أَحَدٌ » وقتی بازگشت انسان و موجودات به سوی هستی و پاکی مطلق است، انتظار این است که چه اتفاقی بیفتد؟ « خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ - خدا آسمانها و زمین را به حق (و نظم احسن اتقن) آفرید و شما آدمیان را به زیباترین صورت برنگاشت، و بازگشت همه خلایق به سوی اوست» (تغابن/۳)

کاملاً روشن است که در این مسیر همه موجودات با جلال و جمال الهی مواجه می‌شوند؛ کما اینکه در دنیا هم برای جسم ضعیف انسان و موجودات سیستم دافعه و جاذبه‌ای خلق شده است (سیستم دفاعی‌ای که آفات و امراض را دور می‌کند و مواد صالح را جذب می‌نماید) با این تفاوت که دنیای فانی و گذرا به تناسب مدت محدود زندگیش، قدرت دفاعی محدود دارد؛ اما جمال و جلال الهی در جهان باقی، ذره‌ای و کمتر از ذره‌ای نقصان و پلیدی را در خود نمی‌پذیرد.

بنابراین موجودات با اینکه تحت جاذبه شدید جمال خداوند بسوی هستی مطلق کشیده می‌شوند (زیرا عشق به کمال مطلق و هستی بی‌عیب و نقص در جان همه موجودات نهاده شده است)، اما جلال الهی هر چیزی را که ماهیت و رنگ الهی ندارد، متوقف کرده، نابود می‌کند « كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ - هر که روی زمین است، فنا پذیرد و (تنها) وجه پروردگارت که دارای شکوه و اکرام است، باقی می‌ماند» (الرحمن/۲۶-۲۷)

باید توجه شود وجودی که خدا به هر موجودی داده است نابود نمی‌شود بلکه این پیرایه‌های همراه او (اعمال و اندیشه‌ها و آرزوهای باطل) متوقف شده، به دلیل انتسابش به انسان مانع سیر عاشقانه او بسوی محبوبش می‌شوند و با اینکه هستی همه لذت و زیبایی است ولی آنچه از پلیدی‌ها انسان را احاطه کرده او را در محرومیت و هجران سوزان و عذاب دردناکی نگه می‌دارد تا پاک شود (مانند سیبی که قسمتی از آن گندیده شده، گندزدایی شود تا بخش سالم هر چند ناقص و ناکامل باقی بماند؛ ولی اگر همه آن گندیده باشد، دیگر راهی به سوی بهشت و درک لذات باقی آن نخواهد داشت و تا ابد در عذاب می‌ماند).

پیش‌تر گفته شد که مظهر جمال و جلال الهی در عالم امکان، حقیقة الإنسان یعنی نور وجودی ذوات مقدسه معصومین (علیهم السلام) اند.

« عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ فَقَالَ نَحْنُ (عليهم السلام) جَلَالُ اللَّهِ وَ كَرَامَتُهُ الَّتِي أَكْرَمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِبَادَ بِطَاعَتِنَا. - امام باقر (عليه السلام) در تفسیر آیه «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ» فرمودند: « ما جلال خداوند و کرامت او هستیم که مردم را به واسطه‌ی اطاعت از ما گرامی داشته است. » (بحارالأنوار، ج ۲۴، ص ۱۹۶)

و می‌دانیم که این مقام را از این جهت دارند که معصوم‌اند و ذره‌ای اراده باطل در آنها وجود ندارد و تنها به سوی خدا دعوت می‌کنند و از آنانیت و خودیت مبرا هستند «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ - بار خدایا! تو را می‌خوانم به اینکه ستایش تو راست، هیچ معبود به حق جز تو نیست؛ احسان کننده و آفریننده آسمان‌ها و زمین هستی‌ای صاحب بزرگی و شکوه!» (کافی/ج ۲/ص ۵۵۶)

کلمه « اَحَدٌ » در آیه شریفه « فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ * وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ » می‌تواند به خداوند و هستی مطلق برگردد. که ترجمه می‌کنیم « پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن خداوند او را عذاب نکند و هیچ کس چون دربندکشیدن خداوند او را دربند نکشد؛ زیرا جلال الهی به پلیدیها ذره‌ای اجازه جولان نمی‌دهد.

می‌تواند مقصود از « اَحَدٌ » (با تقدیر گرفتن إِلَّا نَفْسُهُ)، خود انسان باشد که موجب این گرفتاری و عذاب برای خود شده است. یعنی ترجمه می‌کنیم « کسی جز خود او» سبب این عذاب نیست؛ چرا که خداوند به اندازه ذره‌ای و کمتر از ذره‌ای به کسی ظلم نمی‌کند « إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ - خدا هرگز به مردم ستم نمی‌کند ولی مردم خود در حق خویش ستم می‌کنند. » (یونس/۴۴)

ظلم ماریست هر که پروردش	ازدهایی شود فرو بردش
بد مکن که بد افتی	چه مکن که خود اُفتی

عنوان: اطمینان و آرامش، از کجا و چگونه؟

اطمینان و آرامش اموری واقعی و خارجی هستند و نمی‌توان آنها را با قراردادهای و تعاریف اعتباری فراهم نمود.

رسول اعظم (صلوات الله و سلامه علیه وآله) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ بِحُكْمِهِ وَ فَضْلِهِ جَعَلَ الرُّوحَ وَ الْفَرَاحَ فِي الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ جَعَلَ الْهَمَّ وَ الْحُزْنَ فِي الشَّكِّ وَ السَّخَطِ - خداوند از روی حکمت و فضل خویش، آسایش و شادمانی را در یقین و راضی بودن به قضای الهی قرار داد و غم و اندوه را در شک و ناخشنودی» (تحف العقول، ص ۶)

تحصیل معرفت یقینی به مبدأ و معاد و معرفت به راه‌های وصول به بهشت جاودان و پیمودن درست راه تحصیل خشنودی و رضای خداوند، نیازمند آشنایی با احکام شریعت و اخلاق فاضله و معارف توحید و عمل نمودن به آنهاست.

خداوند به حضرت داود (علیه السلام) وحی نمود که من پنج چیز را در پنج چیز قرار دادم و مردم در پنج چیز دیگر دنبال آن می گردند و آن را نمی یابند «أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا دَاوُدُ إِنِّي وَضَعْتُ خَمْسَةً فِي خَمْسَةٍ وَ النَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي خَمْسَةٍ غَيْرِهَا فَلَا يَجِدُونَهَا؛ وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَ الْجَهْدِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي الشَّبَعِ وَ الرَّاحَةِ فَلَا يَجِدُونَهُ، وَضَعْتُ الْعِزَّ فِي طَاعَتِي وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي خِدْمَةِ السُّلْطَانِ فَلَا يَجِدُونَهُ، وَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ، وَضَعْتُ رِضَايَ فِي سَخَطِ النَّفْسِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي رِضَا النَّفْسِ فَلَا يَجِدُونَهُ، وَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهَا فِي الدُّنْيَا فَلَا يَجِدُونَهَا» «علم را در گرسنگی و تلاش قرار دادم و مردم آن را در سیری و راحتی می یابند و آن را به دست نمی آورند. عزت را در اطاعت خودم قرار دادم و مردم آن را در خدمت پادشاه می جویند و بدان نمی رسند. من بی نیازی را در قناعت قرار دادم و مردم آن را در کثرت مال دنبال می کنند و آن را نمی یابند. رضایتم را در ناراحتی و نافرمانی نفس قرار دادم و مردم آن را در خشنودی نفس می جویند و به آن نمی رسند. راحتی و آرامش را در بهشت قرار دادم و مردم آن را در دنیا پی جویی می کنند و آن را نمی یابند.» (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۵۳)

به صورت کلی راه وصول به آرامش و سعادت هدفی بوده است که انبیای الهی برنامه‌های علمی و عملی آن را از سوی خداوند ارائه نموده اند و آن چیزی جز اصلاح افعال و اخلاق و باورها نیست.

چگونه ممکن است کسی به آن پایبند نباشد و به آرامش و اطمینان برسد؟ به عنوان مثال پاک نگاه داشتن دامن خود از ظلم و ستم؛ در قرآن می‌خوانیم «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» - آنان که ایمان آورده و ایمان خود را به ستمی نیالودند ایمنی تنها از آن آنها است و هم آنها حقیقتاً هدایت یافته‌اند. «(انعام/۸۲)

طبیعی است که مجرم باید در انتظار مجازات و عذاب باشد و آرامشی برای او نیست؛ در مقابل آنکه راه احسان و نیکوکاری را پیشه خود کرده و می‌داند خداوند هستی را بر پایه مهر و احسان و رحمت خود استوار گردانیده است، لبریز از آرامش و اطمینان است «بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» - آری، هر که تسلیم حکم خدا گردید و نیکوکار گشت مسلّم اجرش نزد خدا خواهد بود و آنان را هیچ خوف و اندیشه و هیچ اندوهی نخواهد بود. «(بقره/۱۱۲)

دلیل اطمینان و آرامش مؤمنین نیکوکار این است که می‌دانند سعادت نیکوکاران و بدبختی ستمکاران از سنن لایتخلف الهی است که همه انبیای الهی خبر آن را به بشر رسانده اند «يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي ۖ فَمَنِ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» - ای فرزندان آدم، چون پیغمبرانی از جنس شما بیایند و آیات مرا بر شما بخوانند، پس هر که تقوا پیشه کرد و به کار شایسته شتافت هیچ ترس و اندوهی بر آنها نخواهد بود» (اعراف/۳۵)

لقمان حکیم در اندرزهایش به فرزند خود می‌گوید: «يَا بُنَيَّ أَحْتُكَ عَلَىٰ سِتِّ خِصَالٍ لَّيْسَ مِنْ خِصْلَةٍ إِلَّا وَهِيَ تَقَرُّبُكَ إِلَىٰ رِضْوَانِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتُبَاعِدُكَ مِنْ سَخَطِهِ. الْأُولَىٰ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ الثَّانِيَةُ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّبْتَ وَ كَرِهْتَ وَ الثَّالِثَةُ أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَ تُبْغِضَ فِي اللَّهِ وَ الرَّابِعَةُ تُحِبَّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ تَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَ الْخَامِسَةُ تَكْظِمُ الْغَيْظَ وَ تُحْسِنُ إِلَىٰ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَ السَّادِسَةُ تَرْكُ الْهَوَىٰ وَ مُخَالَفَةُ الرَّدَى» - فرزندم! تو را به شش خصلت تشویق می‌کنم که تو را به رضایت الهی نزدیک می‌نماید و از ناراحتی اش دور می‌سازد:

۱. خدا را عبادت کن و چیزی را برای او شریک نگیر.
۲. به قضای الهی در چیزهایی که دوست داری و دوست نداری، راضی شو.

۳. برای خدا دوست داشته باش و برای او بغض به دل گیر.

۴. برای مردم آنچه را برای خود دوست داری، دوست داشته باش و برای آنها هرچه را برای خود نمی پسندی، نپسند.

۵. خشم خویش فروگیر و به هرکس به تو بدی نموده، خوبی کن.

۶. با هوا و هوس و پستی مخالفت بورز. « (کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۶۳)

آن که رخسار تو را رنگ گل و نسرين داد صبر و آرام تواند به من مسکين داد
وان که گيسوي تو را رسم تطاول آموخت هم تواند کرمش داد من غمگين داد

عنوان: «نفس مطمئنه» همان خورشيد تابان « والفجر»

اکنون در تطبيق محتوای آخرین آیه با اولین آیه این سوره شریفه، می‌توان نتیجه گرفت آن کسی را که خداوند به وجودش در آیه « والفجر» سوگند یاد نموده است همان نفس شریف انسان است که وقتی در جایگاه و کمال لایق خود قرار می‌گیرد، خورشید فیض بخش عالم تاب می‌گردد که همه عالم امکان با وساطت او و در دامن پر برکت او تا ابد روزی می‌خورند؛ چرا که او مفتخر به « یای» انتساب در تعبیر « عبادی» در مرتبه و جایگاه « جنتی»، به خداوند منتسب است. و این معنای سخن خداوند در « إِنَّا لِلّٰهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ » است.

پیامبر مکرم اسلام (ص) فرمود: « أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ فِي نُورِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ ... مَنْ إِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ إِنَّا لِلّٰهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ - هرکس چهار صفت در او باشد در پرتو فروزان خدا قرار می‌گیرد ... آن کس که چون مصیبتی به او رسد گوید: إِنَّا لِلّٰهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. » (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴۸)

روشن است که اولین و بالاترین مصداق نفس مطمئنه و خطاب « يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ » متوجه اولیاء دین و پیروان آنها است؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: « إِنَّمَا يَعْنِي الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (علیه السلام) فَهُوَ ذُو النَّفْسِ الْمُطْمَئِنَّةِ الرَّاضِيَةِ الْمَرْضِيَّةِ وَ أَصْحَابُهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ... - منظور از نفس مطمئنه که راضی و مرضی است امام حسین (علیه السلام) می‌باشد. اصحاب امام حسین که از آل محمد (صلی الله علیه و آله) بودند فردای قیامت از خدا راضی و خدا هم از آنان راضی خواهد بود. این سوره‌ی مبارکه

مخصوصاً در شأن امام حسین (علیه السلام) و شیعیان آن بزرگوار و شیعه آل محمد (صلی الله علیه و آله) نازل شده است. ...» (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۹۳)

سدیر صیرفی می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «آقا! فدایت شوم! آیا مؤمن از مردن کراحت دارد؟ قَالَ لَا ... فَيَفْتَحُ عَيْنَهُ فَيَنْظُرُ فَيَنَادِي رُوحَهُ مُنَادٍ مِنْ قَبْلِ رَبِّ الْعِزَّةِ فَيَقُولُ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ إِلَى مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً- امام (علیه السلام) فرمود: «نه؛ چشم بگشا و نگاه کن، در این موقع پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) و حسن و حسین و ائمه (علیهم السلام) برایش مجسم می‌شوند، می‌گویند این‌ها رفیق‌های تو هستند، آن‌ها را مشاهده می‌کند آنگاه خطاب می‌شود به نفس او؛ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ای نفسی که اطمینان به محمد (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت او داشتی: به‌سوی پروردگارت بازگرد درحالی‌که تو از او خشنودی» (الکافی، ج ۳، ص ۱۲۷)

در جوی تو می رود هویدا	ای قطره تو غافلی که دریا
لیکن پس پرده در حجابست	در برج تو آفتاب و ماه است
در لوح تو هست جمله موجود	پیدا و نهان و بود و نابود